اعتماد
جامعه
ejtemaee@etemadnewspaper.ir

گزارشی از محیط‌بانان محبوسِ در آستانه اعدام
زیرِ تیغ

عکس: ایرنا

□ **غزل حضرتی**/ مردانی آفتاب سوخته، با دستانی نه چندان نرم و لطیف، با لباسی که اگر نو باشد، سبز کمرنگ است و اگر کهنه و رنگ و رو رفته، به خاکی می‌زند، با کتانی‌های همیشه خاکی، نگهبانان زمین‌اند؛ نگهبانانی که وظیفه اصلی‌شان حفاظت از محیط زندگی جانداران است؛ جاندارانی که تنها آدم‌ها را دربر نمی‌گیرد و حیوانات و گیاهان هم در این مجموعه می‌گنجند. اسم‌شان محیط‌بان است، قرار است محیط‌زیست‌مان را بپایند و مراقبت کنند تا گزندی وارد نشود به آنچه اصل زندگی را موجودیت می‌بخشد. شاید با شنیدن این عنوان و شغل، کسی به ذهنش خطور نکند که خطری هم شاید این آدم‌ها را تهدید کند و شاید بزرگ‌ترین خطری که به ذهن هر آدمی در ارتباط با این شغل بیاید، مواجهه با حیوانات است؛ از نوع وحشی، در میانه جنگل و دشت، کویر و کوه. اما کسی نمی‌فهمد که خطر اصلی، حیوانات وحشی نیستند که آدم‌ها هستند، حیوانات هرچقدر هم وحشی، انگار می‌فهمند که این یونیفورم‌پوش‌های سبزخاکستری، دارندار محل زندگی همان پلنگ و یوزپلنگ حفاظت می‌کنند و آدم‌های طماعی که به شکار، هنوز مانند یک قرن پیش به چشم تفریحی هیجان‌انگیز می‌نگرند، تنها خطراتی‌اند که محیط‌بانان را تهدید می‌کنند؛ شکارچیانی که نه با مجوز شکار، که از سر خوشحالی و گذران اوقات فراغت، سراغ سلاخی کردن حیوانات می‌روند.

آنچه در میان این حلقه معیوب شکار و حفاظت، پررنگ‌تر از بقیه موارد به چشم می‌آید، کمبود محیط‌بانان حفاظتی است؛ کمبودی که در مقایسه با استاندارد جهانی، بیشتر از همیشه دیده می‌شود. بر اساس استاندارد جهانی هر هزارهکتار باید توسط یک محیط‌بان حفاظت شود. در ایران هر محیط‌بان از ۶ هزار هکتار حفاظت می‌کند و این یعنی یک ششم استاندارد جهانی. کمبودی که در این میان به شکلی واضح وجود دارد باعث کاسته شدن قدرت حفاظتی محیط‌بانان و درنهایت قدرت حفاظتی سازمان محیط زیست می‌شود. محیط‌بانان زیادی در دهه‌های اخیر به اتهام کشتن متخلفان در مناطق حفاظت‌شده، راهی زندان شدند و از آن سو هم، تعداد زیادی از آنان به ضرب گلوله یا سلاح سرد متخلفان شکار، کشته شده‌اند. در ۷ مهرماه ۱۳۹۳ فرمانده یگان حفاظت محیط زیست مازندران اعلام کرد که تاکنون صد نفر حین انجام مسوولیت محیط‌بانی در ایران کشته شده‌اند. تعدادی هم از این حافظان محیط زیست، همچنان در زندان‌ها زندگی می‌کنند، به امید گرفتن رضایت از خانواده مقتولان و بازگشت به زندگی. اسعد تقی‌زاده و غلامحسین خالدی، شاید از معروف‌ترین محیط‌بانان دربند باشند که در چند سال اخیر، خبرهای‌شان از زندان منتشر می‌شد و خانواده مقتولانی که همچنان از قصور محیط‌بان نگذشته‌اند و متقاضی قصاص‌اند.

اسماعیل کهرم، مشاور رییس سازمان محیط‌زیست، در دولت یازدهم، مسوول رسیدگی به امور این محیط‌بانان و مذاکره با خانواده مقتولان متخلف است. او از حال و احوال اکنون حافظان دربند می‌گوید، آنهایی که با قرار وثیقه آزادند، آنهایی که حکم‌شان قتل غیرعمد شناخته شده و آنهایی که به قصاص محکوم شده‌اند و در انتظار اخذ رضایت از خانواده مقتول، روز را به شب می‌دوزند. اسعد تقی‌زاده، که به نام محیط‌بان دنا معروف شده، محیط‌بانی که استیذانش آمده و هر روز می‌تواند روز آخر زندگی‌اش باشد، در زندان یاسوج به سر می‌برد. سال ۸۷ بود که اسعد، به جرم تیراندازی به متخلف منطقه حفاظت‌شده دنا، راهی زندان شد. اسماعیل کهرم، درباره اوضاع کنونی تقی‌زاده، یکی از چند محیط‌بانی که هنوز در بند است، به «اعتماد» می‌گوید: «سال ۸۷ بود که اسعد این جرم را مرتکب شد. از آن زمان تا الان، سه دادگاه تشکیل شده تا اینکه اخیرا استیذانش آمد، یعنی همان اجازه‌ای که قوه قضاییه بعد از اتمام کار می‌دهد که بروید اعدامش کنید. الان استیذان دست ولی دم است.» کهرم، داستان اسعد را تعریف می‌کند: «اسعد در زمان درگیری، ۳۲ سال سن داشت و سه سال قرارداد خدمت. در منطقه تل مزاری، با پنج متخلف برخورد می‌کند، اسلحه برنو کلاش به همراه داشته، «مجتبی رضایی» متخلف را می‌زند، مجتبی در دم جان می‌بازد. الان هفت سال است اسعد در زندان است، سه بار محاکمه شده، دوبار به اعدام محکوم. خرداد ماه هم استیذانش آمده. یک ماه و نیم بعد از صدور استیذان، حکم قابل اجراست.» حکایت خانواده مجتبی، اما حکایت جالبی است؛ خانواده‌ای که قرار است رضایت بدهند، اما نمی‌دانند چگونه این کار را بکنند. شروط رضایت خانواده رضایی در نوع خود قابل توجه است. درخواست بیش از ۱۲ برابری دیه، شرط استخدام ۵۰ نفر از اعضای خانواده و فامیل در اداره محیط‌زیست استان، شرط اعطای مقام ریاست سازمان اداره آموزش عشایری برای پدر مقتول، احداث حسینیه‌ای به نام مجتبی رضایی در منطقه‌ای مناسب از شروط طایفه‌ای است که مجتبی از آن برخاسته است.

پدر مجتبی، رییس اداره آموزش عشایری

کهرم، میاندار پرونده محیط‌بانان دربند، شاید بیش از هرسفر دیگری، در چند سال اخیر، راهی یاسوج شده و با پدر مجتبی حرف زده است. در یکی از این سفرها، مجابی، معاون حقوقی سازمان هم همراهی کرده است تا برخی از شروط خانواده مقتول را عملی کند.

حجت‌الاسلام ملک‌حسینی، امام جمعه یاسوج، یکی دیگر از میانداران پرونده اسعد و دیگر محیط‌بانان دربند این شهر است، حرفش آنقدری روی پدر مجتبی موثر است که تصمیم‌گیری نهایی را بر عهده ملک حسینی گذاشته است. کهرم در ادامه صحبت‌هایش با اشاره به امام جمعه شهر می‌گوید: «اوایل که نزد پدر مجتبی رضایی می‌رفتم، شروطش را اعلام کرده بود و کوتاه هم نمی‌آمد. در سرکشی‌های بعدی برای اخذ رضایت، با حاج آقا ملک‌حسینی رفتم. ایشان در صحبتی که با پدر مجتبی داشت، توانست تخفیف قابل ملاحظه‌ای در شروط بگیرد. ۵۰ نفری که قرار گذاشته بودند در محیط زیست استخدام کنیم، را به پنج نفر کاهش دادند و دو میلیارد تومان پولی که بابت دیه می‌خواستند بگیرند را به یک میلیارد تومان و بعد از آن به ۸۰۰ میلیون تومان کاهش دادند. اما در نهایت به توصیه دکتر ابتکار از استاندار، ریاست اداره آموزش عشایری را برایش گرفتم، البته جز با توصیه هم امکان‌پذیر نبود که برای کسی که تحصیلاتش دیپلم است، ریاست اداره‌ای را بگیریم. الان یک سال و ۷، ۸ ماه است ریاست این اداره را برعهده دارد. برای گرفتن این پست برای ایشان، از معاون وزیر تا وزیر تا استاندار را ریزی کردیم که این اتفاق بیفتد.»

در شهرهای کوچک‌تر، انگار جان آدم‌ها متعلق به پدر و مادرشان نیست و یک طایفه تصمیم می‌گیرند که چگونه از خون فرزند طایفه‌شان بگذرند. به گفته کهرم که در این میان، نماینده و مامور سازمان در این امر محسوب می‌شود، در زندان سه هزارنفری یاسوج، ۸۰ محکوم به مرگ وجود دارند. مردم منطقه اما، طایفه‌ای زندگی می‌کنند و در مواردی اینچنینی، یک طایفه تصمیم می‌گیرد. گرفتن رضایت از خانواده رضایی هم همین روال را طی کرد. تخفیف گرفتن برای هر کدام از شرط‌های رضایت، زمانی طولانی لازم داشت. همین که ۵۰ نفر به پنج نفر تبدیل شدند، هم شامل پسران و داماد رضایی می‌شود که پسرانش هنوز به ۱۸ سالگی نرسیده‌اند و از الان شغل‌شان محفوظ شده است. برای ساختن حسینیه هم در شهر «سی سخت» یک قطعه زمین ۵۰۰ متری پیدا کردند که رضایی قبول نکرد و گفت زمینش پست است. برای رسیدن به ۸۰۰ میلیون تومان پولی هم که برای دیه باید بدهند، در سی سخت گلریزان گذاشتند و حدود ۲۰۰ میلیون تومان جمع شد. اسعد هم با جمع کردن پس‌اندازش و فروش طلاهای همسرش، توانست ۲۷ میلیون تومان جمع کند و هنوز تا رسیدن به ۸۰۰ میلیون تومان راه زیادی مانده است. سازمان هم طبق قانون، بر اساس رقم دیه سال وقوع قتل، دیه کامل را می‌دهد، با همه این احوال، هنوز اسعد زیر تیغ اعدام است.

اسعد و همسرش، ۱۲ روز بود عقد کرده بودند که اتفاق افتاد و اسعد، راهی زندان یاسوج شد. ظاهرا دولت برای مسائلی اینچنینی، بودجه‌هایی خاص دارد که می‌تواند پرداخت خودش شش ماه طول کشید، البته این پنج نفر کند. شاید خانواده رضایی ندانند چه هزینه‌های مادی و معنوی برای رسیدن به شروطی که برای آزادی اسعد درنظر گرفته‌اند، شده، می‌شود و خواهد شد؛ هزینه‌هایی که معلوم نیست همه‌شان هم تامین بشود. فعلا استیذانی که در دستان پدر مجتبی، پسر ۱۸ ساله‌ای که هفت سال است کشته شده، سرنوشت اسعد را تعیین می‌کند؛ سرنوشتی که با وساطت ابتکار، مسجدجامعی و همسران شهیدان باکری و همت هم‌روی زندگی ندید.

قصاص، وصیت مادر مقتول

۲۵ تیر ۸۹ بود که غلامحسین خالدی، محیط‌بان، که بر روی یک متخلف دیگر، تیراندازی کرده بود، راهی زندان شد، در همان منطقه و همان زندان. دادگاه عالی کشور، اتهام خالدی را قتل غیرعمد تشخیص داد، اما آزادی‌اش همچنان منوط به رضایت اولیای دم است؛ اولیای دمی که آنها هم یک میلیارد تومان پول می‌خواهند. دادگاه نهایی خالدی هنوز بعد از گذشت پنج سال، برگزار نشده. به گفته کهرم، دادگاه تجدید نظر باید تشکیل جلسه بدهد. حالا اینکه چقدر مجازات یا چقدر پول باید برای آزادی بپردازد، نمی‌دانیم. مبلغ دیه برای رضایت خانواده مقتول به ۸۰۰ میلیون تومان هم رسیده. فقط می‌دانم که عمرشان دارد در زندان می‌گذرد.

از سویی خانواده مقتولی که به دست خالدی کشته شده، حاضرند با ۸۰۰ میلیون تومان رضایت بدهند، از سوی دیگر در کرمان، خانواده‌ای هستند که در قبال ۵۰۰ میلیون تومان پول نقدی که مردم شهر جمع کردند، حاضر به رضایت نیستند. محیط‌بان «علی افضلی» هم از محیط‌بانان در آستانه اعدام است. ۴۱ ساله بود که راهی زندان شد، بعد از ۲۱ سال خدمت. سازمان برایش استمهال می‌گیرد، اما خانواده مقتول راضی به بخشش نیستند، بعد از گذشت ۵ سال هنوز از افضلی نمی‌گذرند. موقعیت بسیار ناهنجار افضلی با مرگ مادر مقتول ناهنجارتر شد. مادر «احمدنقدی‌نصب»، جوانی که در این ماجرا کشته شده، وصیت کرده که افضلی را نبخشند و الان فوت کرده است. کهرم می‌گوید: «ما جان مرغ و شیر آدمیزاد را بهشان پیشنهاد کردیم تا رضایت دهند، اما قبول نمی‌کنند که نمی‌کنند.» کهرم با اشاره به ماجرایی مشابه این داستان در سال‌های ریاست ابتکار بر سازمان محیط زیست در دوره اصلاحات می‌گوید: «یک بار شبیه این اتفاق افتاد و دکتر ابتکار با مراجعه به رهبری، درخواست استمهال کرد. ایشان هم از قوه قضاییه خواستند مهلت دهد تا ان‌شاءالله رضایت حاصل شود و در نهایت خانواده مقتول رضایت دادند و موزه‌ای هم به نام مقتول، در شهر کرد ساخته شد. با توجه به چنین سابقه‌ای، به نظر من سازمان اجازه نمی‌دهد که این اتفاق بیفتد و تمام تلاش خود را برای گرفتن رضایت از خانواده مقتول می‌کند. همین الان هم دکتر ابتکار برای خواهران مقتول پیام فرستاده، من و دکتر مجابی دفتر حقوقی هم در رفت و آمد برای اخذ رضایتیم.»

قاتل و مقتول هر دو متخلفند

ماشاءالله جامیشی از فارس، ماشاءالله مهنایی از بهبهان، حبیب‌الله ناصری از چهارمحال بختیاری، مجید پهلوان زاده، مصطفی آقازاده از آذربایجان غربی، کرامت برهانی، حجت‌الله تیموری و علی محمد غلامی هر سه از یزد، محکومان دیگری‌اند که برخی با وثیقه آزادند و برخی دیگر در بند. پرونده ناصری در مرحله بازپرسی ست و با وثیقه آزاد است، قتل در سال ۹۲ رخ داده. پهلوان‌زاده به دلیل مصادف بودن با ماه حرام، مبلغ دیه بیشتری باید بپردازد، او هم در سال ۹۲ به جرم قتل احمدرضا رضوانی راهی زندان شد. پرونده‌اش در مرحله بازپرسی ست و با وثیقه‌ای که سازمان گذاشته، فعلا آزاد است. مصطفی آقازاده، جانباز و آزاده است. در سال ۸۹ طی درگیری با حسن حبیب‌زاده در ارومیه مرتکب قتل و راهی زندان شد. در دیوان عالی کشور، اتهامش قتل شبه عمد شناخته شد و وبه پرداخت دیه و پنج سال حبس محکوم شد. کرامت برهانی در سال ۹۰، راهی زندان یزد شد. او هم به قید وثیقه آزاد است. حجت‌الله تیموری و علی محمد غلامی، هر دو در یزد، یکی در سال ۸۸ و دیگری در ۸۹، در منطقه پناهگاه حیات وحش یزد با متخلفان درگیر شدند. تیموری به ۱۲ میلیون پرداخت نقدی محکوم شد و غلامی ۴۳ ساله به چهار ماه حبس و ۳۴۰ میلیون ریال دیه محکوم شد که با پرداخت آن آزاد شد. کهرم، با تعریف کردن ماجرای تقی زاده، از لزوم آموزش درست به محیط‌بانان می‌گوید، آموزشی که با دادن سلاح به آنان، کار حفاظت را تکمیل می‌کند. او می‌گوید: «واقعه اسعد تقی‌زاده واقعه ساعت شش و نیم صبح بوده، در تاریکی. دوربینی به گردن متخلف بوده با کوله پشتی که حاوی دو و نیم کیلو گوشت شکار بوده. آنچه مشخص است این است که متخلف گلوله‌ای سمت تقی‌زاده شلیک نکرده و تقی‌زاده از پشت شلیک کرده است، گلوله هم از داخل گوشت شکار رد شده. درست است که مجتبی تخلف کرده بود، اما بر اساس بررسی‌ها، می‌توانم بگویم او سابقه تخلف هم نداشت.» کهرم به دانشگاه محیط زیست اشاره می‌کند و می‌گوید: «در حال حاضر، محیط‌بانان باید دوره دیده باشند، در این دانشگاه، یاد می‌گیرند که وقتی اسلحه را بهشان می‌دهیم، فقط طبق مقررات به کارگیری سلاح است که می‌توانند از آن استفاده کنند. اگر متخلف را دیدند، اول ایست می‌دهند، در گام بعدی تیر هوایی شلیک می‌کنند، نهایتا چنانچه جان خودشان یا همکارشان در خطر بود، می‌توانند از کمر به پایین شلیک کنند. این قوانین در قدیم هم بوده، اما در حال حاضر داریم این موارد را با تاکید به محیط‌بانان آموزش می‌دهیم. سال ۱۹۷۴ در سفرم به انگلستان، به ما یک هفته آموزش اسلحه دادند. روز اول سطل رنگ پنج لیتری قرمز گذاشتیم روی چهار پایه که شلیک کنیم، گفتند فکر کنید اینها خون انسان است. اسلحه را باید حمل کرد. با چنین تعلیماتی ما را بار آوردند، ما اسلحه را همین جوری به دست محیط‌بان دادیم اوهم شلیک می‌کند. اینها می‌توانند متخلفان را دستگیر کنند و به پاسگاه تحویل دهند. استفاده از سلاح، ضوابطی دارد که اینها رعایت نکردند و متخلفان دراین میان کشته شدند. کاش یک بار هم که شده این محیط‌بانان دربند، تاسف و پشیمانی خود را از کاری که کردند، به خانواده مقتولان ابراز کنند تا شاید از جان‌شان درگذرند. محیط‌بانان دربند، اگر آزاد شوند دیگر حق پوشیدن یونیفورم و داشتن سلاح را ندارند.»

وضعیت کنونی محیط‌بانان در بند			
نام محیط‌بان	شهر	سال دستگیری	وضعیت کنونی
اسعد تقی‌زاده	یاسوج	۸۷	استیذان (در آستانه قصاص)
ماشاءالله جامیشی	فارس	–	آزاد با وثیقه
ماشاءالله مهنایی	بهبهان	–	آزاد با وثیقه
علی افضلی	کرمان	۸۹	استیذان (در آستانه قصاص)
غلامحسین خالدی	یاسوج	۸۹	در انتظار حکم نهایی دادگاه
حبیب‌الله ناصری	شهرکرد	۹۲	آزاد با وثیقه
مجید پهلوان زاده	–	۹۲	آزاد با وثیقه
مصطفی آقازاده	ارومیه	۸۹	پرداخت دیه و ۵ سال حبس
کرامت برهانی	یزد	۹۰	آزاد با وثیقه
حجت‌الله تیموری	یزد	۸۸	۱۲ میلیون تومان پرداخت نقدی
علی محمد غلامی	یزد	۸۹	۴ ماه حبس و ۳۴ میلیون تومان دیه

نظر خودتان را در مورد این مطلب برایمان پیامک کنید
۳۰۰۰۴۷۵۳

گزارش

«اعتماد» بررسی می‌کند؛ پس از سه سال همچنان علت بارندگی‌های اهواز مبهم است

گسترش مویرگی تنگی نفس از شمال خوزستان به جنوب عراق

□ **قاسم منصور آل کثیر**/ سه سال از بارش‌هایی که باعث تنگی نفس اهوازی‌ها می‌شود، گذشت و با اینکه تنها یک سال از عمر دولت باقی مانده همچنان علت اصلی تنگی نفس‌ها مشخص نشده است.

«نسبت به بارش‌های سال‌های نخست دقت زیادی نکردیم و از امسال مساله جدی گرفته شد»، این را رییس ستاد بحران خوزستان می‌گوید. از دیگر سو رییس دانشگاه علوم پزشکی اهواز گفته که مجوز تاسیس بیمارستان فوق تخصصی ریه و بیماری‌های تنفسی در صورت تامین اعتبار راه‌اندازی می‌شود. هواشناسی خوزستان نیز اعلام کرد خرید دستگاه اندازه‌گیری «گرده گیاهی» باز هم در صورت تامین اعتبار خریده می‌شود. همه اینها در کنار «بحرانی» اعلام نشدن وضعیت تنگی نفس‌ها از سوی استانداری خوزستان و در کنار تصمیم‌گیری‌های دیرهنگام نشان از تعلل در رسیدگی به معضل تنگی نفس در خوزستان دارد.

از سه سال پیش نخستین بارانهای پاییزی نفس اهوازی‌ها را به تنگ آورد. بعد از هر بارندگی شاهد یورش تعداد کثیری از مردم به بیمارستان‌ها برای درمان تنگی نفس خود بودیم. آمار مراجعه‌کنندگان به بیمارستان مرتب بالا می‌رود به طوری که این تعداد در سه سال گذشته به بیش از ۵۰ هزار نفر رسید. در بارش‌های پاییزی امسال نیز دامنه تنگی نفس‌ها گسترش پیدا کرد و به مسجد سلیمان در شمال خوزستان و «بصره» استان جنوبی عراق و همسایه خوزستان رسید. بعد از بارش‌های اخیر جدال بر سر «سیدی» یا «تاسیدی» بودن باران بود با این حال اصل موضوع که «تنگی نفس» مردم است در حاشیه نگه داشته شد. مسوولان تاکید دارند که این باران، اسیدی نیست و این در حالی است مردم، مسوولان را متهم به مخفی کاری می‌کنند. برخی ناظران معتقدند در نظر گرفتن عوامل انسانی در این زمینه، مهم‌تر از انداختن تقصیر بر گردن عوامل اقلیمی و آب و هوایی است. مسوولانی که بدون چشم‌انداز و نگاه به فردا، از منابع انرژی استفاده می‌کنند و وقتی نفس مردم را به تنگ آوردند، شوکه می‌شوند و می‌خواهند همه توان‌شان را به کار گیرند تا به روزگاری برگردند که مردم اهواز از باران لذت می‌بردند. مساله بارانهای پاییزی در اهواز و حومه، سال‌هاست رنگ و روی بحران به خود گرفته است، بحرانی که تا چندی پیش جدی گرفته نمی‌شد با این حال رییس ستاد بحران این موضوع را بحران نمی‌داند.

بارش‌های اول را جدی نگرفتیم

مدیرکل مدیریت بحران خوزستان در این باره به «اعتماد» می‌گوید: تقریبا از سال ۹۰ این معضل پیش آمد. پارسال آمار تنگی نفس‌ها رو به کاهش بود به همین دلیل موضوع جدی گرفته نشد و برای مقابله تنها به درمان اکتفا کردیم. اما امسال داستان را جدی گرفته و جلسه ستاد بحران را تشکیل دادیم چون دیدیم آمار نسبت به گذشته رو به افزایش است.

هاشم بالدی می‌افزاید: امسال به همراه ادارات مربوطه همچون دانشگاه علوم پزشکی، محیط زیست استان، هواشناسی و دانشگاه چمران جلسه ستاد بحران را برگزار کردیم که هواشناسی از اسیدی نبودن باران خبر داد. بالدی محیط زیست خوزستان را نشانه می‌گیرد و می‌گوید: مسوولیت تشخیص عامل تنگی نفس به عهده محیط زیست استان است.

این مقام مسوول در خصوص بحرانی نبودن شرایط پیش آمده توضیح می‌دهد: شرایط بحرانی شرایطی است که سلامتی مردم تهدید شود. در جلسه‌ای که ساعت اول بعد از بارندگی تشکیل دادیم علوم پزشکی استان اعلام کرد شرایط نرمال است و در حال خدمات رسانی هستند. اگر تعداد به بیش از حد برسد ما شرایط بحرانی را اعلام می‌کنیم. فقط بیمارستان امام خمینی در فرآیند خدمات‌رسانی دچار مشکل شد که به دلیل هجوم اکثر مردم به آن بیمارستان در خدمات‌رسانی خلل ایجاد شد.

بالدی همچنین با بیان اینکه صنایع بسیاری در اهواز هستند که باید الزامات زیست‌محیطی را رعایت کنند، می‌افزاید: در کار گروه مخاطرات زیست‌محیطی به صورت دستورالعمل تعیین کردیم که صنایع موجود در شهرستان اهواز ملزم به رعایت اصول زیست‌محیطی هستند.

وی همچنین به عامل احتمالی جدید به نام گیاه کنوکارپوس اشاره می‌کند و می‌گوید: یک احتمال جدید که مطرح شده، درخت «کنوکارپوس» است که در کار گروه اعلام کردیم به صورت پایلوت هرس این نوع درختان را انجام دهیم.

از باران می‌ترسم

عدنان ساکن منطقه زوویه اهواز است و ۴۵ سال سن دارد، می‌گوید که بیش از ۱۱۵ ست، سال کارش رانندگی است. او درباره نخستین بارندگی پاییز می‌گوید: صبح زود در حال مسافرکشی مسیر فرهنگیان به چهارشیر بودم که احساس کردم نفسم بالا نمی‌آید.

عدنان توضیح می‌دهد: اول فکر کردم چون پنجره‌های ماشین بالا هستند چنین احساسی بهم دست داده، با اینکه باران شدید بود اما شیشه سمت خودم را آرام پایین کشیدم اما وضعیت بهتر که نشد هیچ بدتر هم می‌شد. این شهروند اهوازی با حالتی پرخاشگر نسبت به وضعیت موجود می‌گوید: باورت نمی‌شود حتی خجالت می‌کشیدم جلوی مسافرها بگویم حالم بد است تا اینکه دیگر نتوانستم جلوی خودم را بگیرم و ماشین را در گوشه‌ای از خیابان متوقف کردم.

عدنان باز هم توضیح می‌دهد: خدا رو شکر مسافرانم آدم‌های خوبی بودند و یکی از آنها آمد پشت سکان و تا نخستین بیمارستانی که نزدیک‌مان بود بی‌وقفه راند. او با بیان اینکه اگر مسافری همراهش نبود تاکنون وضعیت سلامتی‌اش مشخص نبود، گفت: یک روز در بخش مراقبت‌های ویژه بودم تا اینکه رفته‌رفته حالم بهتر شد. از آن روز تا حالا هر وقت باران ببارد ترس برم می‌دارد. عدنان که مسوولان اهوازی را نالایق خطاب می‌کند، می‌گوید: «اگر دلشون به حال من و شما می‌سوخت که تا حالا کاری کرده بودند. هیچ اعتباری به قول‌های مسوولان نیست و فقط به فکر خودشان هستند»

باواژه تعلل مخالفم

مشکلات تنفس شهروندان در اهواز، نشان داده مدیریت استان در ایجاد شرایط مناسب محیط زیست، نتوانسته در سال‌های متمادی درست عمل کند. اگر در زمانی که باید زنگ خطر زده می‌شد و مسوولان به سرعت به این هشدار واکنش نشان می‌دادند بدون شک شاهد تنگی نفس ده‌ها هزار نفر از شهروندان خوزستانی نبودیم. این تعلل قابل تامل است. مدیرکل محیط زیست خوزستان نسبت به واژه تعلل حساسیت نشان می‌دهد و به «اعتماد» می‌گوید: با واژه وجود «تعلل» از سوی مسوولان مربوطه مخالف هستم. طی سه سال گذشته فعالیت و جلسات بسیاری را انجام دادیم که نتیجه‌بخش بود. اما نمی‌گویم که این اقدامات مشکل تنگی نفس مردم را حل کرده اما آلودگی را کمتر کرده است. احمدرضا لاهیجان‌زاده توضیح می‌دهد: از سال ۹۲ که پیگیر علت این موضوع بودیم نخستین گزینه بنزین پتروشیمی آبادان بود که پخش آن در سطح استان را حذف کردیم. احمدرضا لاهیجان‌زاده اظهار کرد: سال ۹۲ با وقوع عارضه تنگی نفس ۱۸ گزینه به عنوان احتمال مطرح شد که سپر یونی، رعد و برق و باران اسیدی جزو گزینه‌های رد شده بود.

وی اضافه می‌کند: پیدا کردن ذره یا ترکیب مشکل‌ساز مانند پیدا کردن سوزن در انبار کاه است، بنابراین تصمیم گرفتیم با حذف منابع آلودگی اهواز منشا تنگی نفس را پیدا کنیم.

لاهیجان‌زاده توضیح می‌دهد: دو سال پیش پنج میلیون لیتر بنزین پتروشیمی توزیع می‌شد که با اثبات مشکلات آن بعد از چند ماه تلاش از توزیع آن جلوگیری شد، همچنین واحد نفتی اهواز ۲ در پشت ورزشگاه غدیر به دلیل نداشتن امکان فرآوری نزدیک به ۳۰ هزار بشکه نفت خام ترش از میدان نفتی آزادگان آلودگی زیادی به وجود می‌آورد که با پیگیری، فرآوری آن متوقف شد. وی با بیان اینکه طرح «آماک» به اتمام رسیده و تا یک ماه آینده به بهره‌برداری می‌رسد، می‌افزاید: طرح آماک (جمع‌آوری گازهای همراه نفت) با وجود ۹۰ درصد پیشرفت فیزیکی چهار سال متوقف مانده بود که بعد از این حوادث به جریان می‌افتد. به گفته وی با بهره‌برداری از طرح آماک از سوختن ۱۲ میلیون فوت مکعب گاز در ۲۰ کیلومتری اهواز که شش میلیون فوت مکعب آن گاز ترش است، جلوگیری می‌شود.

این مقام مسوول می‌گوید: تنها ۱۰ درصد اجرای پروژه آماک باقی مانده که الان آخرین مرحله تست سیستم انجام می‌شود و اگر طرح به بهره‌برداری برسد وضعیت آلودگی بهبود پیدا می‌کند. کل هزینه طرح بر عهده وزارت نفت است. مدیرکل محیط زیست خوزستان به دیگر اقدامات و پیگیری‌های صورت گرفته از سوی محیط زیست استان اشاره می‌کند و می‌گوید: تا پایان سال ۹۵ سیستم جمع‌آوری غبار واحد فولادسازی کامل و آلودگی این صنعت نیز حل می‌شود. کارخانه کربن هم باید از اهواز خارج و طبق برنامه‌ریزی‌هایی صورت گرفته تا یک سال و نیم آینده باید به شهر دیگری منتقل شود. کمربند سبز شهر اهواز نیز می‌تواند در سلامت هوا کمک کند و تاکنون ۵۰۰ هکتار از این طرح کاشته شده و ۵۰۰ هکتار باقی نیز امسال کاشته می‌شود. لاهیجان‌زاده همچنین می‌افزاید: نیروگاه رامین که از طریق دادگاه پیگیر مساله آن بودیم تا حدودی جلوی آلودگی تولید شده از آن گرفته شد و در هفت ماه نخست امسال نسبت به پارسال ۲۰۰ میلیون لیتر مازوت کمتر سوخته شد که سعی می‌کنیم در آینده کلا این شرکت گاز سوز شود.

کابوسِ کنوکارپوس /از اهواز تا ژاپن

به گفته مسوولان محیط زیست خوزستانی طی سه سال همه انرژی‌شان را روی منابع آلوده‌کننده گذاشته بودند و نمی‌شد در ابتدا به سراغ گرده‌های گیاهان بروند چون با وجود صنایع آلاینده این موضوع پذیرش عمومی نداشت. مدیرکل حفاظت محیط زیست خوزستان همچنین از نامه‌نگاری با شهردار اهواز در دو ماه پیش برای هرس کردن درختان آلرژی‌زای اهواز خبر داد. مسوولان می‌گویند همچنان نمی‌شود با قاطعیت گفت علت اصلی تنگی نفس چیست و هم‌اکنون همچنان به ترتیب در حال حذف آلاینده‌ها هستند که امسال به گیاهان رو آوردند و حساسیت نسبت به گیاه «کنوکارپوس» بیشتر به نظر می‌رسید. محیط زیست خوزستان می‌گوید مقالاتی در دست دارد که نشان می‌دهد این گیاه در آبان و آذر ماه می‌تواند حساسیت‌زا باشد اما با یک هرس در شهریورماه می‌توان آن را از شرایط گل دهی خارج و مشکل را برطرف کرد.

همچنین مقالاتی موجود است که می‌گوید این گونه در پاکستان و ژاپن مشکل تنفسی ایجاد کرده است.

لاهیجان‌زاده در این خصوص توضیح می‌دهد: بابت گیاه کنوکارپوس جای نگرانی برای مردم وجود ندارد. با مدیریت خوب می‌توان از این نوع گیاه استفاده کرد که پیشنهاد می‌شود بیشتر در حاشیه شهر کاشته شود. وی همچنین می‌گوید: از باران‌های پارسال نمونه‌برداری کردیم و برای آزمایشگاه‌های معتبر کشور کانادا برای آزمایش ارسال کردیم. وی تاکید کرد: ۲۱ ایستگاه سنجش آلودگی هوا در استان (بر اساس استانداردهای سازمان جهانی بهداشت) و دو ایستگاه سنجش آلودگی‌های خاص در اهواز و ماهشهر در زمان باران‌ها هوا را در وضعیت استاندارد نشان می‌داد.

رشد ۱۰ برابری

مسوولان خوزستانی می‌گویند که عوامل احتمالی تنگی نفس شهروندان اهوازی از ۱۸ مورد به چهار مورد رسیده است، اگر چه امسال انگشت اتهام به سوی گرده افشانی درخت نورسیده «کنوکارپوس» در خوزستان نشانه رفته است. از سوی دیگر اخبار رسانه‌های محلی عراق موید این موضوع است که همزمان با تنگی نفس خوزستان، چهار هزار و ۸۰۰ نفر در بصره نیز به تنگی نفس دچار شده‌اند.

رییس دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز معتقد است تنگی نفس خوزستان مثل یک گلوله برفی است که اگر سرچشمه‌اش پیدا نشود بزرگ‌تر می‌شود. پیش از این اسماعیل ایدنی در این خصوص به ایرنا توضیح داده بود: نخستین بارندگی در سال ۹۲ اگر چه غافلگیرکننده بود و بدون عارضه کنترل شد اما عمق و شدت مشکل در سال ۹۳ بیشتر شد به طوری که در سال ۹۲ کمتر از ۱۰ نفر در بخش مراقبت‌های ویژه و ۸۰ نفر در بخش‌های معمولی بستری شدند که این آمار پارسال ۱۰ برابر شد. رییس گروه مطالعات تنگی نفس استان خوزستان تصریح کرد: مراجعات امسال افراد دچار تنگی نفس شده از ساعت ۱۰ شب چهارشنبه ششم آبان‌ماه امسال با آغاز بارندگی به تعداد زیاد شروع شد که بیشترین آنها در بیمارستان‌های امام، ابوذر، امیرالمومنین، گلستان و نفت اهواز بودند و بعد از پنج روز تعداد مراجعات به بیش از ۱۷ هزار مورد رسید اما برای ۶۰ درصد بیماران تشکیل پرونده نشد و رایگان درمان شدند به همین دلیل نمی‌توانیم بگوییم چند درصد از آنها مربوط به سال‌های قبل بودند.

ایدنی وقوع تنگی نفس در بصره و خوزستان را مرتبط با یکدیگر دانست و افزود: با توجه به فاصله چند کیلومتری بین محل‌های وقوع این عارضه در شهرستان‌های مختلف خوزستان و بندر بصره در عراق می‌توان گفت اینها به هم مرتبط هستند. وی با اشاره به ابهامات بسیاری که هنوز در زمینه تنگی نفس وجود دارد، اظهار کرد: نتیجه قطعی که به آن رسیدیم یک پروسه آلرژیک است و تردیدی در آن وجود ندارد.

وی گفت: معتقدم آلرژن‌ها باعث مشکل تنگی نفس می‌شوند که به دلیل وجود سایر آلاینده‌های هوا اثر آنها تشدید می‌شود به طور نمونه در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی دیده می‌شود زیرا آلاینده‌های هیدروکربنی به عنوان یک عامل عمل می‌کنند و نفوذ و نشست عوامل آلرژی‌زا را در ریه‌ها افزایش می‌دهند.

وی تاکید کرد: به طور قطع عامل اصلی این بیماری، ریزگردها نیستند چون در بهمن ۹۳ با وجود توفان شدید گرد و خاک تعداد مراجعات به این اندازه نبود بنابراین چند فاکتور در آن دخیل است که بارندگی آن را تشدید می‌کند.

ایدنی با بیان اینکه نمی‌توان روی یک مساله تاکید خاص کرد، افزود: شناسایی برخی عوامل فراتر از توان تیم تحقیقاتی است به طور مثال اندازه‌گیری سطح آلرژن‌ها در هوا (با اندازه کمتر از سه میکرون) جزو وظایف معمولی محیط زیست نیست اما جزو تکالیفی است که در جریان تحقیقات به دست آمده است.

بحران وجود ندارد، همه چیز آرومه

با اینکه علوم پزشکی اهواز شرایط پیش‌آمده را غیرطبیعی می‌داند اما مدیریت ستاد بحران استانداری خوزستان وضعیت را بحرانی اعلام نکرد و می‌گوید علوم پزشکی شرایط را عادی اعلام کرده بود. مدیرکل مدیریت بحران خوزستان در این باره گفت که